

## درس خارج اصول استاد مهدی گنجی

۹۷/۰۱/۲۰

بسم الله الرحمن الرحيم

« فهرست دروس

### حوزه علمیه قم

مسجد اعظم  
 قم  
 مدرسه فیضیه  
 مدرسه خان  
 مدرسه آیت الله گلپایگانی  
 سایر مدارس  
 فقه معاصر  
 تفسیر و نهج البلاغه  
 رجال  
 دروس به زبان عربی  
 مباحث مستحدثه حکومتی  
 سرفصل های ۱۴۰۱ - ۱۴۰۰  
 پرونده علمی  
 فهرست مسائل  
 موضوع درس اساتید

### حوزه علمیه نجف

نجف  
 حرم امیرالمؤمنین (ع)  
 مساجد

### حوزه علمیه مشهد

مدرسه آیت الله خویی  
 سایر مدارس مشهد  
 تفسیر و نهج البلاغه

### سایر حوزه ها

شهرستانها  
 کرمان  
 بیروت  
 دمشق  
 داکار (آفریقا-سنگال)  
 قطیف و احساء  
 کابل

### سایر موضوع ها

کلام و فلسفه  
 طب در روایات  
 بزرگان معاصر  
 تقریر عربی درس ها

### راهنما

تقریر نویسی  
 مشکلات

### ثبت نام پخش زنده

ثبت نام  
 ویرایش اطلاعات  
 نرم افزار پخش زنده-رایانه  
 نرم افزار پخش زنده-اندروید  
 سایت های مرتبط  
 کتابخانه مدرسه فقهات  
 ویکی فقه  
 ویکی پرسش

## محتویات

### ۱. اطلاق لفظ در لفظ

#### ۱.۱. ثمره بحث

۱.۱.۱ به وجود آمدن استعمال لفظ در اکثر معنا طبق اطلاق لفظ در

لفظ بودن قصد قران در عباداتی نظیر نماز

۱.۱.۱.۱ قصد قران خواندن از باب اطلاق لفظ در لفظ نیست

۲. امر پنجم از مقدمات: تبعیت دلالت از اراده

۲.۱ دلیل اول: اراده از مقومات استعمال است نه جزء موضوع له

۲.۲ دلیل دوم: لازمه ی تبعیت تجرید معنا و خلاف حکمت وضع بودن

ان

۲.۳ دلیل سوم: لازمه ی تبعیت خاص بودن موضوع له اسماء اجناس

۲.۳.۱ نسبت صاحب فصول تبعیت به علمین

۲.۳.۱.۱ مراد علمین از تبعیت در مقام دلالت تصدیقی است نه

دلالت تصویری

**موضوع:** جمع بندی بحث اطلاق لفظ در لفظ / اطلاق لفظ در لفظ / مقدمات

## علم اصول

در جلسه قبل استاد به این نتیجه رسیدند که مختار مرحوم خویی حق است و همه ی انواع اطلاق لفظ در لفظ از نوع احضار است بعد نوب به بحث ثمره رسید که استاد فرمود برای این بحث ثمره ی باطلی ذکر شده است که در این جلسه به بررسی آن پرداخته میشود.

## ۱. اطلاق لفظ در لفظ

### ۱.۱. ثمره بحث

۱.۱.۱. به وجود آمدن استعمال لفظ در اکثر معنا طبق اطلاق لفظ در لفظ بودن

#### قصد قران در عباداتی نظیر نماز

بحث در اطلاق لفظ و اراده لفظ تمام شد و بحث در ثمره متوهمه بود ثمره ی ذکر شده است که جوابهای عدیده ای داده اند.

در مثل نماز که باید قصد قرانی بودن شود از قبیل اطلاق لفظ در مثل است وقتی گفته میشود الحمد لله اینه است برای همان الحمد لله که در قران است و از طرفی تاکید شده است که نماز با التفات باشد و بفهمد چه میگوید و این راه از طریق استعمال لفظ در معنا حاصل میشود بنا بر این اگر اطلاق لفظ در لفظ از قبیل استعمال باشد لازمه ای ان این است که از قبیل استعمال لفظ در اکثر معنا باشد و این استعمال نیز محال است ولی اگر گفته شود که اطلاق لفظ و اراده لفظ از قبیل احضار باشد دیگر این مشکل پیش نیاید.

#### ۱.۱.۱.۱. قصد قران خواندن از باب اطلاق لفظ در لفظ نیست

این ثمره تمام نیست به زودی در بحث استعمال لفظ در اکثر از معنا میاید که قصد قرانی بودن لفظ از باب استعمال لفظ در لفظ نیست فرق «الحمد لله» که به قصد قران گفته میشود با «الحمد لله» که به غیر قصد قران گفته میشود در استعمال لفظ در لفظ و عدم ان است یعنی در جایی که به قصد قران گفته میشود از باب استعمال لفظ در لفظ نیست و تتمه کلام در آینده میاید. حاصل کلام: این ثمره تمام نیست چون خواندن نماز به قصد قران از باب اطلاق لفظ در لفظ نیست.

### ۲. امر پنجم از مقدمات: تبعیت دلالت از اراده

مرحوم اخوند فرموده است:

آیا الفاظ و کلمات (زید، انسان و ...) برای معانی خودشان بما هی یعنی ذوات معانی، وضع شده‌اند؟ یا برای معانی بما هی مرادة و به عنوان اینکه مراد متکلم‌اند و به قید مراد بودن و اراده شدن وضع شده‌اند؟ به نظر مرحوم آخوند بی‌تردید الفاظ برای ذوات معانی خودشان وضع شده‌اند نه برای معانی با قید مراد بودن (که مراد بودن یا جزء معنی باشد و یا قید و شرط آن)

#### ۲.۱. دلیل اول: اراده از مقومات استعمال است نه جزء موضوع له

در مبحث معنای حرفی به تفصیل گفته شد که قصد و لحاظ معنی به هر نحوی که فرض شود (چه قصد آلی و چه استقلالی و ...) به هیچ وجه در دایره معنا داخل نبوده و جزء موضوع له یا مستعمل فیه نیست بلکه از مقومات و مسوغات و مجوزات استعمال است و تا لحاظ و تصور و قصد نباشد وضعی یا استعمالی هم نیست. ولی وضع و استعمال برای خود معنی و در خود معنی است نه در معنا به قید مقصود و ملحوظ بودن. آنگاه اراده معنی هم جز قصد و لحاظ معنی چیز دیگری نیست.

## ۲.۲ دلیل دوم: لازمه ی تبعیت تجرید معنا و خلاف حکمت وضع بودن ان

اگر الفاظ برای معانی به قید مراد بودن به اراده استعمالیه وضع شده باشند قضایا و جملات مذکور و مانند آن الفاظ مذکور را از خصوصیت مراد بودن الغاء و تجرید کرده و نفس زید و قیام و ... را موضوع و محمول قرار می‌دهیم، در این فرض حمل و اسناد درست می‌شود ولی تصرف مذکور، مستلزم آنست که کلیه قضایا در عالم مجازی باشند و در معنای حقیقی خود به کار نرفته باشند. که این هم قابل التزام نیست.

## ۲.۳ دلیل سوم: لازمه ی تبعیت خاص بودن موضوع له اسماء اجناس

اگر اراده در موضوع له دخیل شد، لازم می‌آید تمام الفاظ در عالم وضعشان عام و موضوع له آنها خاص باشد. حتی اسماء اجناس هم لازم می‌شود موضوع له خاص داشته باشند. زیرا واضع مثلا مفهوم کلی حیوان ناطق را لحاظ کرده و مفهوم کلی اراده را هم تصور کرده آنگاه لفظ انسان را برای حیوان ناطقی که مراد به اراده‌های جزئی و مصداقی باشد وضع کرده است و این اراده‌ها جزئی‌اند و مفهوم کلی‌ای که مقید به یک امر جزئی شد خود یک جزئی خواهد بود، مثل انسان در منزل، انسان در این زمان و ... که قیود ضمیمه، انسان را جزئی می‌کنند. در نتیجه ما در عالم لفظی نداریم که وضع و موضوع له او هر دو عام باشند. و این برخلاف وجدان است که همگی پذیرفته‌اند که: وضع عام و موضوع له عام داریم و مثال به اسماء اجناس و مشتقات و ... زده‌اند.

## ۲.۳.۱ نسبت صاحب فصول تبعیت به علمین

مشهور گفته‌اند: دلالت لفظ بر معنا تابع وضع واضع است و به مجرد اینکه واضع لفظی را برای معنایی وضع کرد و شنونده هم علم به وضع داشت، از شنیدن آن لفظ به آن معنا منتقل می‌شود. ولی در مقابل مشهور جناب شیخ الرئيس ابن سینا و جناب محقق بزرگوار خواجه نصیر الدین طوسی قدس سره

القدوسی [۱] فرموده‌اند: دلالت، تابع اراده است و تا متکلم از کلام اراده معنی نکند، دلالت و انتقال هم نیست. جناب صاحب فصول [۲] تصور کرده سخن دو محقق مذکور مربوط به همین بحث است و می‌خواهند بگویند که اراده در معنای موضوع له دخیل است و الفاظ برای معانی به قید مراد بودن وضع شده‌اند.

#### ۱.۱.۳.۲. مراد علمین از تبعیت در مقام دلالت تصدیقی است نه دلالت تصویری

مرحوم اخوند میفرماید: منظور مشهور از تبعیت دلالت از وضع، دلالت تصویری است و منظور آن دو محقق، دلالت تصدیقی است و ربطی به مقام وضع و معنای موضوع له ندارد. دلالت را از جهتی می‌توان به دو قسم تقسیم کرد:

۱- دلالت تصویری: عبارتست از اصل تصور معنی و خطوط آن در ذهن. گاهی انسان مستقیماً معنا را از ذهن می‌گذراند و تصور می‌کند، و گاهی به واسطه الفاظی که در ذهن می‌آورد به معنا منتقل می‌شود و کانّ با خود، حدیث نفس می‌کند، و گاهی به واسطه دیدن و خواندن لفظ در کتاب به معنای آن منتقل می‌شود، گاهی به سبب شنیدن لفظ از لافظ به معنا منتقل می‌شود. در دلالت تصویری باید شنونده هم عالم به وضع باشد.

۲- دلالت تصدیقی: آنست که علاوه بر خطوط معانی کلمات و مفردات کلام، در ذهن شنونده يك حکم و اثبات و تصدیق هم باشد، یعنی شنونده تصدیق نماید که مراد متکلم از این کلام فلان امر است و چنین دلالتی علاوه بر شرایط مذکور در دلالت تصویری جهاتی دیگر باید احراز شود: احراز شود که وی قاصد معنا هم هست نه اینکه صرفاً قاصد لفظ باشد، به اختیار و اراده خویش هم قاصد است نه به اکراه و اجبار، قاصد همین معنا هم هست، جدی هم می‌گوید نه اینکه در مقام هزل باشد، غافل هم نیست، خطا هم نمی‌کند، خلاف ظاهر هم مرادش نیست، در مقام بیان و افاده هست نه در مقام اهمال و اجمال و تا احراز نکنیم که متکلم در مقام افاده و تفهیم مراد است، نمی‌توانیم علیه او حکم کرده و به گردن او بگذاریم که مراد تو فلان امر است.

بنا بر این منظور شیخ الرئیس و شیخ طوسی آنست که دلالت تصدیقیه تابع اراده و متفرع بر آن است. آن‌گونه تبعیتی که مقام اثبات از مقام ثبوت دارد، و آن‌گونه فرعی که مقام کشف از مقام واقع مکشوف دارد که تا ثبوت و مکشوفی نباشد، اثبات و کشف و دلالتی هم نیست. نه دلالت تصویری که

مجرد خطور معنی است .... و از بدیهیات است که تابع قصد نیست و نمی‌تواند مراد آن دو محقق باشد.

ان قلت: شما گفتید همیشه و همه جا دلالت تصدیقی تابع و فرع اراده است ولی ما موارد نقض پیدا کرده و ثابت می‌کنیم که دلالت تصدیقی تابع اراده نیست:

در باب خطا متکلم، مثلاً متکلمی که می‌خواهد بگوید: اضرب زیدا یا ضرب زید، اشتباه کرده و می‌گوید اضرب بکرا یا ضرب بکر و ... در اینجا مراد واقعی متکلم ضرب زید است ولی شنونده‌ای که اضرب بکرا را شنیده می‌گوید: مراد او ضرب بکر است. و تصدیق و حکم به این معنا می‌کند درحالی‌که گوینده اصلاً زدن بکر را طلب نکرده است. پس در اینجا دلالت تصدیقی و حکم هست ولی اراده واقعی نیست.

قلت: ما نیز قبول داریم که در موارد مذکور و مواد نقض واقعاً اراده و قصدی نیست، اما سخن ما اینست که در این موارد اصلاً دلالت و کشفی هم نیست (چون بیراهه‌رفته‌ایم و خطا پیش آمده است و ظاهر با باطن هماهنگ نیست). بلکه نوعی ضلالت و گمراهی و بیراهه رفتن و نوعی جهالت و بی‌خبری است که شخص جاهل آن را دلالت می‌پندارد، یعنی در واقع شنونده در موارد مذکور، خیال می‌کند که دلالتی هست درحالی‌که واقعاً دلالت نیست.

---

[۱] (الشفاء، ج ۱، ص ۴۲ و ۴۳؛ شرح اشارات، ج ۱، ص ۳۲).

[۲] الفصول الغروية، ص ۱۷ و ۱۸. «و الظاهران ما حکى عن الشيخ الرئيس و المحقق الطوسي من مصيرهما الى ان الدلالة تتبع الارادة ناظر الى هذا»



